

مقایسه سبک های حل مسئله و جهت گیری انگیزشی بین دانشجویان افسرده و بهنجار شاغل به تحصیل دانشگاه آزاد خوی

سمیه هاشمی نژاد^۱

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد تبریز

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف مقایسه سبک های حل مسئله و جهت گیری انگیزشی بین دانشجویان افسرده و بهنجار شاغل به تحصیل دانشگاه آزاد واحد خوی انجام شد. **روش بررسی:** پژوهش حاضر به شیوه ی پس رویدادی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد خوی در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به تعداد ۲۸۰۰ نفر تشکیل می دهد. نمونه ای به حجم ۸۰ نفر به صورت تصادفی خوشه ای با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش جهت همتا سازی همچون سن و جنس انتخاب و، ۴۰ نفر دانشجوی دختر (۲۰ نفر افسرده و ۲۰ نفر بهنجار) و ۴۰ نفر دانشجوی پسر (۲۰ نفر افسرده و ۲۰ نفر بهنجار) در دو گروه مطالعه (افسرده) و گروه مقایسه (بهنجار) انتخاب شده است. داده ها با استفاده از پرسشنامه های افسردگی بک، سبک حل مسئله کسیدی ولانگ، مقیاس خودسنجی و جهت گیری انگیزشی جمع آوری شده است. فرضیه های پژوهش با روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و آزمون t مستقل مورد آزمون قرار گرفتند. **یافته ها:** نتایج نشان داد که تفاوت میانگین سبک های حل مسئله و جهت گیری انگیزشی دانشجویان افسرده و عادی در سطح ($P < 0/01$) معناداری می باشد. **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده می توان مطرح کرد که دانشجویان افسرده نسبت به دانشجویان عادی از سبک های حل مسئله غیر سازنده بالا و سبک های حل مسئله سازنده پایین تری برخوردارند دانشجویان افسرده نسبت به دانشجویان عادی از جهت گیری انگیزشی پایینتری برخوردارند.

واژه های کلیدی: سبک های حل مسئله، جهت گیری انگیزشی، افسردگی، بهنجاری

۱. مقدمه

حل مسأله^۱ فرایندی رفتاری شناختی^۲ است که می تواند انواعی از پاسخ های متناوب بالقوه سودمند را جهت مقابله با موقعیت های دشوار در اختیار ما قرار دهد. ولی ما در روز تعداد زیادی مسئله حل می کنیم. مسائل ریز و درشتی که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی گریبان گیرمان هستند. ما ناگزیر هستیم برای هر یک از مسائل و مشکلاتی که در فعالیت های مختلف زندگی اعم از تحصیلی، شغلی، اقتصادی و ... پیش می آید، راه حلی بیابیم. ولی نکته مهمی که در حل مسائل وجود دارد این است که همه افراد یک جامعه از روشی یکسان برای حل مسائل مشابه استفاده نمی کنند. هرکس براساس دانستنی ها، مهارت ها، پیشینه، شخصیت، نگرش و اهمیتی که برای آن مسئله قائل است؛ روش خاص خود را در حل مسائل به کار می برد و البته مسلماً نتیجه حاصل نیز متمایز از سایر روش ها خواهد بود (ویلس^۳، ۱۳۹۶). سبک های حل مسئله؛ افراد با وقایع تنش زای زندگی، ناکامی ها و ناامیدی ها روبرو می شوند؛ بعضی افراد قادرند از تجربه های ناخوشایند زندگی استفاده کنند، در حالی که دیگران در افسردگی خود باقی می مانند؛ کسانی که خود را از افسردگی نجات می دهند واجد نوعی تفکر زیر بنایی هستند به نحوی که از تدابیر و راهبردهای موثرتری سود می جویند. تعدادی از پژوهشگران عوامل مشترکی را در افرادی که به احتمال زیاد افسرده می شوند و هم چنین نوع مداخله آنان در حل مسائل و مشکلات زندگی شان را شناسایی کرده اند و دریافتند که از طریق سنجش همبستگی بین پاسخ های رویارویی ترجیح داده شده افراد افسرده و مقایسه راه حل های آنان با افراد غیر افسرده می توان راهبردهای مؤثر مقابله با افسردگی را شناسایی کرد. هم چنین افرادی که مهارت مسأله گشای خوبی دارند در مقایسه با افرادی که فاقد این مهارت هستند کمتر احتمال دارد افسرده شوند (خنیفز^۴، ۱۳۹۴). عدم توانایی در اتخاذ تصمیم یکی از مشخصات عمده افراد افسرده است این ناتوانی را می توان نوعی بی کفایتی در استفاده از مهارت های موثر در تصمیم گیری یا حل مسأله به شمار آورد. مهم ترین موانع حل مسائل: تثبیت شدن، جهت گیری انگیزشی و عدم کنترل هیجانات. تثبیت شدن؛ مردم به راحتی روی راهبرد خاصی تثبیت می شوند. گاهی اوقات ما به این دلیل قادر به حل یک مسئله نیستیم که نمی توانیم از نگاه دیگر به آن مسئله بنگریم. بنابراین، تثبیت یعنی استفاده از راهبرد قبلی و نگاه نکردن به یک مسئله از یک دید جدید و تازه. در چنین مواردی باید به کاربرد نامعمول راه حل های احتمالی یک مسئله اندیشید به این نوع تثبیت، تثبیت شدگی کارکردی می گویند. نوع دیگر تثبیت، اصطلاحاً آمایه ذهنی نام دارد. آمایه ذهنی نوعی تثبیت است که در آن مسائل را به شیوه ای که قبلاً جواب داده ایم حل کنیم. در چنین حالتی، شخص سعی می کند مسئله را به شیوه ای که قبلاً جواب داده است، حل کند. عوامل انگیزشی؛ برخی از افراد ممکن است مهارت های بسیار خوبی برای حل مسئله داشته باشند و همه مراحل حل مسئله را بدانند، ولی انگیزه کافی برای استفاده از توانایی هایشان نداشته باشند. داشتن انگیزه درونی برای حل مسائل و صبر و پشتکار در یافتن راه حل خیلی مهم است. عدم کنترل هیجان؛ هیجان ها ممکن است هم حل مسئله را تسهیل کند و هم جلوی حل آن ها را بگیرند. راه حل های خوب مسئله معمولاً علاوه بر انگیزه داشتن، هیجان شان را کنترل می کنند و روی حل کردن مسئله متمرکز می شوند (ویلس^۳، ۱۳۹۶).

^۱ Problem solving^۲ Cognitive behavioral procedure^۳ Wiles^۴Wales

بررسی اتکینسون (۱۳۹۰)^۵ نشان داد که حل مسأله یک رویکرد درمانی شناختی - رفتاری است که در درمان افسردگی موثر و مفید می باشد. افراد افسرده براساس مدل های شناختی دارای ساختارها و فرایندهای شناختی افسردگی را می باشند (مبینی، ۱۳۸۹). اهمیت عوامل شناختی در افسردگی و سایر اختلالات روانی آن قدر مهم است که یک (۲۰۰۶)؛ می گوید: شناخت های منفی در ذات افسردگی است نه علامت یا نتیجه آن. افراد افسرده خود را ناتوان و درمانده می کنند. زیرا محیط خود را ناخوشایند می یابند، نسبت به آینده دید انعطاف پذیری ندارند و به نظرشان احتمال دستیابی به تجارب خوشایند کمتر است (ادواردس و همکاران، ۱۳۹۴). افراد افسرده چون مشکلات خود را پایدار، کلی و درونی تلقی می کنند به جای تلاش برای دستیابی به موفقیت در حل مسائل تمام نیروی خود را صرف اجتناب از موقعیت های ناخوشایند موجود می کنند (کلینکه، ۱۳۹۳)^۶.

انجمن روان پزشکی آمریکا سازمان بهداشت جهانی (۱۳۹۲)؛^۷ افسردگی تک قطبی سومین رتبه را بین کل بیماری ها دارد، به طوری که پیش از ۱۵۰ میلیون نفر از مردم دنیا در هر برهه از زمان از افسردگی رنج می برند و حدود یک میلیون خودکشی موفق هر سال در جهان وجود دارد. شیوع افسردگی اساسی در جمعیت به طور کل بین ۳ تا ۱۰ درصد است و در افرادی که دچار بیماری های مزمن هستند این میزان بیشتر است. جهت گیری انگیزی؛ به فرایندهایی ارتباط دارد که به رفتار نیرو و جهت می دهد. این فرایندها عبارت اند از: نیازها، شناخت ها، هیجان ها و رویدادهای بیرونی. نیازها با شرایط درونی فرد که برای ادامه زندگی، رشد و سلامتی ضروری است، مرتبط است. شناخت ها، عقاید، باورها، رویدادهای ذهنی، انتظارات و خودپنداره را شامل می گردد که نحوه تفکر را بیشتر نشان می دهد. هیجان ها، به صورت پدیده های ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی و چند بعدی هستند (پنتریچ و شانگ، ۱۳۹۰). رویدادهای بیرونی، مشوق هایی که رفتار فرد را نیرومند می سازد و به سمت رویدادهایی هدایت می کنند حال این رویدادها ممکن است از پیامدهای مثبت یا آزار دهنده خبر دهند. انگیزش را معمولاً به سه طریق نشان می دهند: رفتار، فیزیولوژی و گزارش شخصی. رفتارهای با انگیزه شامل: تلاش، نهفتگی، پایداری، انتخاب، احتمال پاسخ، جلوه های صورت و حالت های بدن را شامل می شود. فعالیت سیستم عصبی مرکزی و هورمونی برای درک شالوده زیستی انگیزش و هیجان که اطلاعات بیشتری را در اختیار ما می گذارند فیزیولوژی انگیزش را بیان می کند. در نهایت، گزارش شخصی است که از طریق مصاحبه ها و پرسشنامه ها اندازه گیری می گردد.

علل بررسی این تحقیق، سنگینی بار اقتصادی این بیماری بر جامعه و خانواده ها و کاهش کارایی و ناتوانی در تحصیل و شغل یابی و حفظ شغل برای افراد مبتلا به افسردگی، ضرورت انجام پژوهش های متعددی را در این زمینه می طلبد به خصوص در جامعه ما به دلیل ویژگی های خاص هم چون جمعیت جوان و تحصیل کرده، مشکلات اشتغال، مهاجرت و پیامدهای آن، تغییرات سریع فرهنگی همراه با رشد روز افزون آسیب هایی مانند: اعتیاد، طلاق، فرار جوانان از خانه، ترک تحصیل رفتارهای پر خطر و غیر ایمن و دیگر آسیب های روانی، اجتماعی که وجود تفکر افسردگی زای بیماران، آن ها را از حل مسائل باز می دارد. لذا با مطالعه دقیق و بررسی علمی سبک های حل مسأله در افراد افسرده و مقایسه آن با افراد غیر افسرده می توان سبک

^۵ Atkinson

^۶ Beck

^۷ Edwards

^۸ Klinke

^۹ The World Health Organization

های مقابله ای متفاوت را شناسایی و ارزیابی کرد، و هم چنین پی برد که فرایندهای حل مسأله در راهبردهای مقابله ای چگونه در ساخت های شناختی افسردگی نقش داشته تا درمانگران آگاهی و توانایی بیشتری در خصوص این فرآیند، چگونگی کنترل و کاهش آن کسب نمایند. این پژوهش در صدد پاسخ گویی به این سوال می باشد که آیا بین سبک های حل مسله و جهت گیری انگیزشی دانشجویان افسرده و بهنجار شاغل به تحصیل در شهرستان خوی تفاوت وجود دارد؟

۲. روش بررسی

طرح پژوهش غیر آزمایشی و از نوع پس رویدادی است تحقیق پس رویدادی یک مطالعه ی تجربی نظام دار می باشد که در آن پژوهشگر علل احتمالی متغیر وابسته را مورد مطالعه می دهد. چون متغیر وابسته و مستقل هر دو در گذشته رخ داده اند. از آن جا که هدف این پژوهش مقایسه ی سبک های حل مسله و جهت گیری انگیزشی در افراد افسرده و بهنجار می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی تشکیل می دهند. که تعداد آن ها بر طبق اسناد و آمار آموزشی (۲۸۰۰) نفر می باشد. حجم نمونه ی آماری مورد مطالعه در این تحقیق بر اساس جدول کرجسی و مورگان، متناسب با حجم نمونه (۲۸۰۰ نفر N)، شامل (۲۶۲ نفر N) می باشد. با توجه به معیارهای اندازه گیری (به دلیل دفاع های نا خود آگاه، تعصب در پاسخ دهی و شیوه معرفی شخصی) تعدادی از پرسشنامه های آزمودنی ها حذف شده اند و ۸۰ نفر از آزمودنی ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند. نحوه انتخاب نمونه نیز به این صورت بود که ابتدا دانشگاه رو به ۴ دانشکده تقسیم و از هر دانشکده ۲۰ کلاس به صورت تصادفی انتخاب و از هر کلاس ۲۵ نفر رو انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. دانشجویان افسرده دختر و پسر مراجعه کننده به مرکز مشاوره دانشگاه که واجد ملاک های شمول و عدم شمول نمونه بودند در مقیاس خود سنجی میزان غم خود را بالاتر از میانگین مشخص نموده اند، انتخاب شدند؛ مجدداً با پرسشنامه افسردگی بک که در اختیار دانشجویان فوق قرار داده شده است که (≥ 18 نمره) را اخذ گردید انتخاب و با مصاحبه تشخیصی که بر طبق DSM IV با همکاری ۲ نفر روان شناس بالینی انجام یافت. آزمودنی های گروه بهنجار، که در پرسشنامه خود سنجی خود را خوشحال ارزیابی کرده بودند و در آزمون بک (≤ 9 نمره) کسب کرده اند انتخاب شده اند. با در نظر گرفتن متغیرهای مد نظر پژوهش جهت همتا سازی همچون سن، جنس و تحصیلات انتخاب و به تصادف در گروه افسرده و بهنجار جایگزین شده اند. در این پژوهش مجموعاً ۸۰ نفر دانشجو، ۴۰ نفر دختر دانشجو (۲۰ نفر افسرده و ۲۰ نفر بهنجار) و تعداد ۴۰ نفر پسر دانشجو (۲۰ نفر افسرده و ۲۰ نفر بهنجار) در دو گروه مطالعه (افسرده) و گروه مقایسه (بهنجار) انتخاب شده است.

ملاک های ورود: داشتن رضایت جهت شرکت در مطالعه، ۲۰ تا ۳۵ سال، تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد، برای گروه افسرده داشتن پرونده در مرکز مشاوره، شاغل به تحصیل، مجرد بودن.

ملاک های خروج: سابقه بستری در بیمارستان روانپزشکی، وجود بیماری جدی پزشکی و روانپزشکی مستلزم مصرف دارو، انصراف از تحقیق به دلیل عدم تمایل، وجود مشکلات روانی - اجتماعی مشخص.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک های حل مسأله: پرسشنامه سبک های حل مسئله (PSS) کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) این مقیاس را کسیدی و لانگ، (۱۹۹۶) طی دو مرحله ساخته اند و دارای ۲۴ پرسش است که شش عامل را می سنجد و هر کدام از عوامل در بر گیرنده چهارماده آزمون می باشند. این عوامل عبارتند از درماندگی در حل مسأله یا جهت یابی (بیان گر بی یابوری فرد در

موقعیت های مسئله زا است) مهارگری حل مسئله یا کنترل در حل مسئله (بعد کنترل بیرونی - درونی را در موقعیت های مسئله زا منعکس می کند)، سبک حل مسئله خلاقانه (نشان دهنده برنامه ریزی و در نظر گرفتن راه حل های متنوع برحسب موقعیت مسئله زا است) اعتماد در حل مسئله (بیان گر اعتماد در توانایی فرد برای حل مشکلات است) سبک اجتناب (نشان دهنده تمایل به رد شد از کنار مشکلات به جای مقابله با آن ها) سبک گرایش یا تقرب و روی آورد (نشان دهنده نگرش مثبت به مشکلات و تمایل مقابله رو در رو با آن هاست). بنابر این، سبک های درماندگی، مهار گری و اجتناب زیر مقیاس های حل مسئله غیرسازنده و سبک های گرایش، خلافت و اعتماد زیر مقیاسهای حل مسئله سازنده می باشند (شاطری، اشکانی، مدرس غروی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه به خوبی می تواند آسیب پذیری فرد را در برابر استرس نشان دهد و جمعیت سالم را از جمعیت بیمار جدا کند (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶) این پرسشنامه شش عامل را می سنجد. هر کدام از عوامل در بر گیرنده چهار ماده می باشد. پرسش های این مقیاس با گزینه های " بلی "، " خیر "، " نمی دانم " پاسخ داده می شوند. آزمودنی در برابر هر پرسش که شیوه ی واکنش وی را در برابر مسائل و موقعیت های خاص بیان می کند، موافقت یا مخالفت خود را نشان می دهد و اگر بین آن دو مردد بود می تواند گزینه " نمی توانم بگویم " را بر گزیند (بخشی پور وهمکاران، ۱۳۸۷).

عامل در ماندگی در حل مسئله : با سؤال های ۱ تا ۴ مهار گری حل مسئله : با سؤال های ۵ تا ۸ سبک خلاقیت : با سؤال های ۹ تا ۱۲ اعتماد در حل مسئله : با سؤال های ۱۳ تا ۱۶ سبک اجتناب : با سؤال های ۱۷ تا ۲۰ و سبک گرایش : با سؤال های ۲۱ تا ۲۴ سنجیده می شود (آهنگی، ۱۳۸۸). کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در یک مطالعه برای سبک های درماندگی، مهار گری، خلاقیت، اعتماد، اجتناب و گرایش را به ترتیب، ۰/۵۲، ۰/۷۱، ۰/۶۶، ۰/۶۶، ۰/۶۵ و در مطالعه ای دیگر ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را به ترتیب برای ابعاد یاد شده، ۰/۸۶، ۰/۵۳، ۰/۵۱، ۰/۶۶، ۰/۶۰ به دست آوردند (کسیدی برنسايد ۱۹۹۶) ساز گاری درونی عوامل یاد شده را به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۷۱، ۰/۶۶، ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش (محمدي، ۱۳۷۷) نیز ضرایب آلفا بالای ۰/۵۰ بودند (به جز سبک گرایش). افزون بر این (محمدي و صاحبي، ۱۳۸۰) پایایی درونی این آزمون را با بهره گیری از ضرایب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۶۰ گزارش نمودند هم چنین آلفا در بررسی (بابا پور خیرالدین، ۱۳۸۲) برابر با ۰/۷۷ و ضریب روایی آن ۰/۸۷ گزارش شده است و با در نظر گرفتن شاخص پایایی به عنوان ضریب اعتبار (ضریب اعتبار برابر است با ریشه دوم ضریب پایایی) ضریب روایی این مقیاس را برابر با ۰/۸۷ گزارش کردند. (محمدي، ۱۳۸۳) در پژوهشی نشان داده است که بین خرده مقیاس ها، همبستگی معناداری وجود دارد که دامنه این ضرایب بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۲ می باشد، ارتباطی که نشان گر روایی همگرای ۱۲ این مقیاس است. روایی این مقیاس، بیشتر متکی به روایی محتوا و روش ساخت و تهیه آن که در دستور العمل مقیاس شیوه حل مسئله، بحث روشن و واضحی از ضریب روایی آن به میان نیامده است، اما در باره برخی سؤال های آن برخی شواهد مانند افرادی که از آن استفاده کرده اند و در این زمینه تخصص لازم را دارند (محمدي و صاحبي، ۱۳۸۰) نشان دهنده ارتباط مقیاس با خصیصه مورد بررسی است (آهنگی، ۱۳۸۸).

پرسشنامه افسردگی بک: این آزمون یک ابزار تشخیص است که در سال (۱۹۶۱) برای سنجش افسردگی تدوین شده است و شامل ۲۱ سؤال می باشد که ویژگی های زیر را مورد سنجش قرار می دهد. ۱- خلق ۲- بدبینی ۳- احساس شکست ۴- نارضایتی ۵- احساس گناه ۶- احساس تنبیه ۷- نفرت از خود ۸- اتهام به خود ۹- تمایل به خود آزاری ۱۰- گریستن ۱۱- زودرنجی ۱۲- گوشه گیری از اجتماع ۱۳- بی تصمیمی و درماندگی ۱۴- تصویر بدنی ۱- تبلی یا کاهلی در کار ۱۶- اختلال در خواب ۱۷- خستگی پذیری ۱۸- بی اشتها ۱۹- کاهش وزن ۲۰- اشتغالات ذهنی در مورد سلامتی بدن ۲۱- کاهش نیروی جسمی در برابر هر جنبه که نماینده یک نشانه رفتاری ویژه از افسردگی است چهار یا پنج جمله نوشته شده که این

جملات به ترتیب از خفیف ترین تا شدیدترین میزان اختلال در جنبه های مربوط را مورد سنجش قرار می دهند. میانگین زمان برای پاسخگویی به آزمون بک بین ۱۵ تا ۳۵ دقیقه تعیین شده است. هر فرد آزمون شونده می تواند از هریک از جنبه های ۲۱ گانه، این پرسشنامه تنها یک جمله را که بیشتر با وضع فعلی او مطابقت دارد برگزیده و با علامتی آن را مشخص کند. جمع نمرات برای هر فرد از صفر تا ۶۳ می توانند باشد. نمره گذاری تست افسردگی بک، برای محاسبه نتایج نمراتی را که آزمودنی با کشیدن دایره یا زدن ضربدر مشخص کرده است با یکدیگر جمع می کنیم. چنانچه مراجع یا بیماری در یک یا چند مقوله بیش از یک سؤال را با دایره مشخص کرده باشد فقط یک مورد از آن مقوله و آن هم سؤالی را که بالاترین نمره را دارد به حساب می آوریم. از آنجا که در هر مقوله بالاترین نمره سه است پس حداکثر مقیاس ۶۳ خواهد بود که نماینده عمیق ترین حالت افسردگی است. در سال ۱۹۶۱ دکتر بک این آزمون را در مورد بیماران روانی به کار برده و ثابت کرده است که این آزمون قادر به تفکیک بیماران افسرده از سایر بیماران روانی است. گلدمن و متکالف^۱ (۱۹۶۲) آزمون دکتر بک را دارای ارزش کلینیکی دانستند. بازآزمایی در یک زیر گروه از بیماران سرپایی به مدت یک هفته ۰/۹۳ به دست آمده که این ضریب در سطح $p < 0.001$ معنی دار بود. در هفته اول این پرسشنامه از اعتبار روایی بالایی برخوردار است. ضریب همسانی درونی آن (ضریب آلفا) ۰/۹۲، اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۷۵ و همبستگی ماده های آن از ۰/۳۰ تا ۰/۷۶ متغیر است. پنج نوع روایی محتوا، همزمان، سازه، تشخیصی و عاملی برای این آزمون سنجیده شده است که همگی نشان دهنده کارایی بالای این ابزار در اندازه گیری شدت اضطراب می باشد. معیارهای مورد استفاده برای آزمون بک چندین نوع است: ۱- افرادی که به افسردگی در سطح طبیعی مبتلا هستند جمع نمرات آنها صفر تا پانزده یا صفر تا هفده می باشد. ۲- افرادی که به افسردگی در سطح خفیف مبتلا هستند جمع نمرات آنها پانزده تا سی و یک یا هفده تا بیست و هشت می باشد. ۳- افرادی که به افسردگی در سطح متوسط هستند جمع نمرات آنها بین سی و یک تا چهل و هفت و یا بیست و هشت تا سی و پنج می باشد. ۴- افرادی که به افسردگی در سطح شدید مبتلا هستند جمع نمرات آنها بین چهل و هفت تا شصت و سه یا سی و پنج تا شصت و سه می باشد.

مقیاس جهت گیری انگیزشی: این مقیاس بر مبنای نظریه خودتعیین کنندگی دسی و ریان توسط والرند^۲ و همکاران (۱۹۹۲) ساخته شده است این پرسشنامه در ایران، در مطالعاتی از جمله بحرانی مورد استفاده قرار گرفته است این پرسشنامه دارای ۲۸ پرسش ۷ گزینه ای است که سه بعد انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی را می سنجد. گویه های این مقیاس، در مقیاس لیکرتی ۷ گزینه ای تهیه شده است. حداقل نمره در هر گویه ۱ و حداکثر آن ۷ است. این آزمون دارای ۷ زیر مقیاس است که ۳ تای آنها مربوط به بعد انگیزش درونی (دانستن، حرکت در جهت پیشرفت و تجربه محرک)، ۳ تا مربوط به بعد انگیزش بیرونی (همسان کردن، درون فکنی و تنظیم بیرونی) و یک زیر مقیاس مربوط به بعد بی انگیزشی است. مقیاس انگیزش تحصیلی دارای ۲۸ عبارت است و ۴ عبارت به هر زیر مقیاس اختصاص دارد. این آزمون یک ابزار خود گزارشی است و آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه ای (از اصلاً ۱- تا کاملاً ۷-) مشخص سازد که هریک از عبارت های ذکر شده تا چه حد دلیل رفتن وی به دانشگاه هستند. این پرسشنامه دارای دوفرم است که یکی از آن ها مخصوص دانش آموزان و دیگری مخصوص دانشجویان است. پرسشنامه حاضر مخصوص دانشجویان است. بر این اساس، دامنه نمرات در هر مولفه در دامنه بین ۶۳ تا ۷ قرار دارد. والرند و همکاران (۱۹۹۲) ضریب پایایی مولفه های پرسشنامه یعنی جهت گیری درونی انگیزش و بی انگیزش را به ترتیب با استفاده از روش آلفا کرونباخ ۰/۸۶ و ۰/۸۳ و ضریب پایایی مولفه انگیزه بیرونی را ۰/۶۲ گزارش

^۱Goldman & Metcalf 1962

^۲Vallerand

نموده‌اند. کوکلی^۳ (۲۰۰۰)، ضریب پایایی این مقیاس را با استفاده از روش بازآزمایی به مدت یک ماه را در دامنه ای بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ برای مولفه ها یا خرده مقیاس ها گزارش نموده است بحرانی، پایایی مقیاس را به روش بازآزمایی به فاصله دو هفته و ۰/۷۳ ضریب آلفای محاسبه شده برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ گزارش نموده است. علاوه بر این، بحرانی (۱۳۸۴)، روایی این مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی محاسبه نموده است که به اعتقاد وی تحلیل عامل انجام شده توانسته است ابعاد سه گانه انگیزش را با ارزش ویژه بالاتر از یک نمودار سازد. در این پژوهش پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای سه خرده مقیاس جهت گیری های بیرونی، درونی و بی انگیزشی به ترتیب و ۰/۶۹، ۰/۷۱، ۰/۷۳ محاسبه شده است و روایی سازهای این مقیاس، از طریق تحلیل عاملی احراز شده است.

مقیاس خودسنجی بک: یکی از روشهای رایج برای بررسی تصور از خود، پرسشنامه ی تصور از خود بک (BSCT) است. این آزمون که در سال ۱۹۷۸ توسط بک و استیر و براساس نظریه شناختی بک تهیه گردیده است، دارای ۲۵ ماده است این آزمون یک مقیاس خود ساخته است. از آزمودنی ها خواسته شد تا در یک مقیاس صد درجه ای میزان شادی یا غمگینی خود را مشخص کنند. به این ترتیب که صفر بیان کننده وضعیت بسیار خوشحال و صد بیان کننده وضعیت بسیار شدید غمگین باشد. تصور از خود همان ادراک از خویشتن است. به عبارت دیگر تصور از خود یک نقطه نظرعینی از مهارت ها، خصوصیات و توانایی هایی است که فرد از خود دارد. برای ارزیابی تصور از خود روش ها و پرسشنامه های مختلفی تهیه شده است. ویژگی شخصیتی که در این مقیاس ها مورد بررسی قرار می گیرد، عبارت است از توانایی ارائه ی مفهومی از خود... بر اساس تحقیقات بک و همکاران (۱۹۹۲) پرسشنامه ی تصور از خود بک (BSCT) پنج جنبه از ویژگی ها را مورد بررسی و اندازه گیری قرار می دهد که عبارتند از: توانایی ذهنی، کارآمدی شغلی، جذابیت جسمانی، مهارت های اجتماعی و عیب ها و حسن ها. به عقیده ی مؤلفان نحوه ی توصیف افراد در زمینه های فوق با یکدیگر متفاوت است. بک و همکاران (۱۹۸۵) ضریب اعتبار ۰/۸۸ و ۰/۶۵ را با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به ترتیب پس از یک هفته و سه ماه فاصله ی زمانی گزارش نمودند. در ایران، محمدی (۱۳۷۲) اعتبار پرسشنامه ی تصور از خود بک (BSCT) را با استفاده از روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۶۵ و ۰/۶۸ گزارش کرده است. همچنین دیباج نیا (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ ۰/۷۹ را برای پرسشنامه به دست آورده است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها و عملیات آماری به وسیله نرم افزار SPSS انجام شده است؛ منطبق با اهداف پژوهش، داده های جمع آوری شده از دو منظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. بطوری که ابتدا فراوانی و درصد شرکت کنندگان پژوهش و نتایج هم‌تاسازی، به همراه شاخص های مرکزی و پراکندگی برای هر یک از متغیر ها ارائه شده است، سپس فرضیه های پژوهش با روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و آزمون T مستقل مورد آزمون قرار گرفتند.

۳. یافته ها

جدول (۱) شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر های مورد مطالعه در دانشجویان دختر و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک (Z) را جهت بررسی عادی بودن توزیع داده ها به عنوان یکی از پیش فرض های تحلیل واریانس نشان می دهد.

^۳Cokley

جدول ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در دانشجویان دختر

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشدگی	شاپیرو-ویلک آماره Z (معنی داری)
درماندگی غیر سازنده	افسرده	۲/۸۰	۰/۶۵۶	۰/۰۶۸	-۱/۴۰	۰/۹۴۴ (۰/۲۷۹)
	عادی	۱/۵۷	۰/۷۸۲	-۰/۲۷۵	-۰/۶۰۹	۰/۹۲۴ (۰/۱۱۹)
مهارگری غیر سازنده	افسرده	۳/۱۰	۰/۷۵۳	-۰/۴۷۹	-۰/۵۷۶	۰/۹۱۶ (۰/۰۸۲)
	عادی	۲/۰۲	۰/۵۹۵	۰/۱۰۲	-۰/۴۵۱	۰/۹۱۶ (۰/۰۸۳)
سبک اجتناب غیر سازنده	افسرده	۳/۰۷	۰/۵۹۱	-۰/۳۱۹	-۰/۶۹۷	۰/۹۱۵ (۰/۰۷۸)
	عادی	۲/۰۲	۰/۵۴۹	-۰/۱۰۸	-۰/۰۱۷	۰/۹۱۴ (۰/۰۷۵)
سبک گرایش سازنده	افسرده	۱/۸۵	۰/۷۷۹	۰/۳۶۸	۰/۹۷۱	۰/۹۰۸ (۰/۰۵۹)
	عادی	۳/۱۵	۰/۶۰۹	-۰/۴۵۰	-۰/۵۴۵	۰/۹۰۹ (۰/۰۶۲)
سبک خلاقیت سازنده	افسرده	۱/۹۲	۰/۸۱۵	-۰/۳۸۰	-۱/۰۵۷	۰/۹۱۰ (۰/۰۶۵)
	عادی	۳/۱۷	۰/۷۱۲	-۰/۶۹۵	۰/۰۴۸	۰/۹۰۷ (۰/۰۵۷)
اعتماد سازنده	افسرده	۱/۵۵	۰/۷۰۵	۰/۳۰۵	-۰/۸۰۴	۰/۹۱۲ (۰/۰۷۰)
	عادی	۳/۱۵	۰/۵۱۵	-۰/۳۵۸	-۰/۰۲۴	۰/۹۱۷ (۰/۰۸۷)
حل مساله غیر سازنده	افسرده	۸/۹۷	۱/۲۲۹	۰/۰۱۷	-۱/۲۷۷	۰/۹۳۵ (۰/۱۹۴)
	عادی	۵/۶۲	۱/۲۱۲	۰/۵۶۱	۱/۰۸۵	۰/۹۰۷ (۰/۰۵۵)
حل مساله سازنده	افسرده	۵/۳۲	۱/۱۵۰	-۰/۰۱۲	-۰/۴۱۰	۰/۹۷۸ (۰/۰۹۶)
	عادی	۹/۴۷	۰/۸۰۲	-۰/۴۱۹	-۰/۷۲۸	۰/۹۲۰ (۰/۰۹۸)
انگیزش درونی	افسرده	۳۴/۸۰	۳/۴۷۳	۰/۴۱۳	-۰/۶۷۲	۰/۹۲۹ (۰/۱۴۶)
	عادی	۵۶/۲۵	۵/۳۳۹	-۰/۶۶۸	-۰/۲۲۷	۰/۹۲۳ (۰/۱۱۱)
انگیزش بیرونی	افسرده	۳۶/۲۵	۳/۱۶۰	۰/۱۱۲	-۰/۵۳۲	۰/۹۶۱ (۰/۵۵۴)
	عادی	۴۵/۲۰	۴/۵۸۳	۰/۶۳۷	-۰/۵۲۸	۰/۹۰۹ (۰/۰۶۰)
بی انگیزشی	افسرده	۱۴/۲۰	۱/۳۶۱	۰/۱۵۶	-۰/۵۴۷	۰/۹۴۲ (۰/۲۶۲)
	عادی	۱۰/۶۵	۱۰/۸۹۹	۰/۲۵۵	-۰/۹۳۰	۰/۹۲۶ (۰/۱۳۱)
جهت گیری انگیزشی	افسرده	۸۵/۲۵	۳/۸۰۹	۰/۰۰۸	-۰/۴۴۱	۰/۹۸۴ (۰/۹۷۵)

۰/۹۵۲ (۰/۴۰۲)	۰/۰۲۳	۰/۴۵۸	۶/۱۹۷	۱۱۲/۱۰	عادی	
---------------	-------	-------	-------	--------	------	--

چنانکه در جدول (۱) مشاهده می شود در طبقه دانشجویان دختر گروه دانشجویان افسرده نمرات بالاتری تری در سبک حل مساله غیر سازنده و مولفه های آن شامل درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله و سبک اجتناب نسبت به دانشجویان عادی و همچنین، دانشجویان عادی نمرات بالاتری در حل مساله سازنده و مولفه های آن شامل سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله نسبت به گروه دانشجویان افسرده کسب کرده اند. همچنین، گروه دانشجویان افسرده در متغیر جهت گیری انگیزشی و مولفه های انگیزش درونی و انگیزش بیرونی نمرات پایینتر و در مولفه بی انگیزشی نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان عادی کسب کرده اند. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در جدول (۱) حاکی از این است که توزیع داده ها برای هر دو گروه دانشجویان افسرده و عادی در متغیرهای حل مساله و جهت گیری انگیزشی و مولفه های آنان نرمال است ($p > 0.05$).

جدول ۲: شاخص های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در دانشجویان پسر

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آماره Z (معنی داری)
درماندگی (غیرسازنده)	افسرده	۳/۲۰	۰/۵۷۱	-۰/۱۹۸	-۰/۴۹۷	۰/۹۱۷ (۰/۰۸۵)
	عادی	۱/۲۰	۰/۸۰۱	۰/۲۸۶	-۰/۱۶۲	۰/۹۲۶ (۰/۱۲۷)
مهارگری (غیر سازنده)	افسرده	۲/۹۲	۰/۷۶۵	-۰/۲۱۰	-۱/۰۷۹	۰/۹۲۵ (۰/۱۲۵)
	عادی	۱/۹۵	۰/۷۹۳	-۰/۶۱۰	۰/۴۸۴	۰/۹۰۸ (۰/۰۵۸)
سبک اجتناب (غیرسازنده)	افسرده	۳/۲۵	۰/۵۵۰	-۰/۳۹۵	-۰/۰۷۶	۰/۹۰۹ (۰/۰۶۲)
	عادی	۲/۱۰	۰/۵۷۵	-۰/۴۳۲	-۰/۳۷۹	۰/۹۱۲ (۰/۰۷۰)
سبک گرایش (سازنده)	افسرده	۱/۹۷	۰/۵۹۵	-۰/۱۰۲	-۰/۴۵۱	۰/۹۱۶ (۰/۰۸۳)
	عادی	۳/۲۲	۰/۵۲۵	-۰/۴۶۰	۰/۲۱۱	۰/۹۱۰ (۰/۰۶۳)
سبک خلاقیت (سازنده)	افسرده	۱/۹۷	۰/۷۱۵	-۰/۳۸۲	-۰/۴۶۹	۰/۹۲۷ (۰/۱۳۲)
	عادی	۳/۰۲	۰/۶۹۷	-۰/۴۸۶	-۰/۲۳۶	۰/۹۳۳ (۰/۱۷۳)
اعتماد (سازنده)	افسرده	۲/۴۵	۰/۵۸۲	۰/۲۱۳	-۰/۶۱۱	۰/۹۲۵ (۰/۱۲۵)
	عادی	۲/۹۵	۰/۵۳۵	-۰/۰۶۹	-۰/۴۶۰	۰/۹۲۶ (۰/۱۲۸)
حل مساله غیر سازنده	افسرده	۹/۳۷	۱/۱۶۸	۰/۰۰۵	-۰/۹۳۴	۰/۹۵۸ (۰/۵۰۵)
	عادی	۵/۲۵	۱/۲۹۲	-۰/۱۹۳	۰/۵۶۵	۰/۹۷۳ (۰/۸۱۵)
حل مساله سازنده	افسرده	۶/۴۰	۱/۱۶۵	-۰/۵۶۳	۰/۱۷۷	۰/۹۳۷ (۰/۲۰۷)
	عادی	۹/۲۰	۰/۹۷۸	-۰/۸۱۶	۲/۰۳۶	۰/۹۳۵ (۰/۱۹۰)
انگیزش درونی	افسرده	۳۸/۳۰	۴/۱۴۳	-۰/۴۱۴	-۱/۲۰۱	۰/۹۲۳ (۰/۱۱۱)
	عادی	۵۲/۱۵	۳/۸۲	۰/۸۱۰	۰/۷۲۵	۰/۹۳۷ (۰/۲۱۴)
انگیزش بیرونی	افسرده	۳۷/۷۰	۴/۶۰۰	۰/۰۸۴	-۱/۲۷۳	۰/۹۳۴ (۰/۱۸۵)
	عادی	۴۸/۲۰	۴/۰۶۰	-۰/۵۹۱	-۰/۵۵۰	۰/۹۲۳ (۰/۱۱۱)
بی انگیزشی	افسرده	۱۵/۱۰	۱/۱۶۵	۰/۶۷۴	۰/۸۹۴	۰/۹۱۷ (۰/۰۸۷)
	عادی	۱۲/۰۰	۱/۸۳۶	۰/۶۸۱	۰/۰۷۷	۰/۹۲۱ (۰/۱۰۴)
جهت گیری انگیزشی	افسرده	۹۱/۱۰	۶/۵۶	۰/۱۶۹	-۱/۲۷۸	۰/۹۳۴ (۰/۱۸۱)
	عادی	۱۱۲/۳۵	۷/۱۹۸	۰/۴۲۲	-۰/۲۸۹	۰/۹۵۷ (۰/۴۸۵)

جدول (۲) شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر های مورد مطالعه در دانشجویان پسر و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک (Z) را جهت بررسی عادی بودن توزیع داده ها به عنوان یکی از پیش فرض های تحلیل واریانس نشان می دهد.

چنانکه در جدول (۲) مشاهده می شود در طبقه دانشجویان پسر گروه دانشجویان افسرده نمرات بالاتری تری در سبک حل مساله غیر سازنده و مولفه های آن شامل درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله و سبک اجتناب نسبت به دانشجویان عادی و همچنین، دانشجویان عادی نمرات بالاتری در حل مساله سازنده و مولفه های آن شامل سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله نسبت به گروه دانشجویان افسرده کسب کرده اند. همچنین، گروه دانشجویان افسرده در متغیر جهت گیری انگیزشی و مولفه های انگیزش درونی و انگیزش بیرونی نمرات پایینتر و در مولفه بی انگیزشی نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان عادی کسب کرده اند. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک در جدول (۲) حاکی از این است که توزیع داده ها برای هر دو گروه دانشجویان افسرده و عادی در متغیرهای حل مساله و جهت گیری انگیزشی و مولفه های آنان نرمال است ($p > 0.05$).

سبک های حل مساله در بین دانشجویان افسرده و بهنجار دخترشاغل به تحصیل متفاوت است. جهت بررسی و پاسخ به فرضیه اول پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. بطوری که قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، پیش فرض همگنی واریانس با آزمون لون^۴ مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج همگنی واریانس ها برای حل مساله و مولفه های آن در دانشجویان دختر

متغیر ها	F	معنی داری
درماندگی در حل مساله	۱/۴۹۸	۰/۲۲۸
مهارگری در حل مساله	۱/۸۴۴	۰/۱۸۲
سبک اجتناب	۰/۷۶۰	۰/۳۸۹
سبک گرایش	۱/۵۱۳	۰/۲۲۶
سبک خلاقیت	۰/۸۱۸	۰/۳۷۱
اعتماد در حل مساله	۳/۶۷۳	۰/۰۶۳
حل مساله غیر سازنده	۰/۶۳۷	۰/۴۳۰
حل مساله سازنده	۲/۶۵۲	۰/۱۱۲

نتایج حاصل از آزمون لون در جدول (۳) نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها برای سبک های حل مساله و مولفه های آن در دانشجویان دختر برقرار است. در ادامه، به منظور بررسی پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس-کوواریانس از آزمون M باکس استفاده شد که نتایج آن حاکی از معنی داری این آزمون برای متغیر سبک های حل مساله و مولفه های آن بود ($P \leq 0.05$). لذا با توجه به برقرار نبودن این پیش فرض برای انجام تحلیل واریانس چند متغیری و وجود خطر هم خطی چندگانه در متغیرهای وابسته (نمرات کل سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده و مولفه های آنها) از ۲ تحلیل واریانس

^۴ Leven

چند متغیری جداگانه برای بررسی تفاوت سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده در گروه ها و همچنین برای بررسی تفاوت مولفه های درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله، سبک اجتناب، سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله استفاده شد.

جدول ۴: نتایج آزمون M باکس جهت برابری ماتریس کوواریانس در سبک های سازنده و غیر سازنده در دانشجویان دختر

نام آزمون	ارزش	F	df ۱	df ۲	معنی داری
M باکس	۳/۳۳۰	۱/۰۴۷	۳	۲۵۹۹۲۰/۰۰	۰/۳۷۱

نتایج حاصل از آزمون M باکس در جدول (۴) نشان می دهد که پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس برای نمرات کل سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده برقرار است.

سبک های حل مساله در بین دانشجویان افسرده و بهنجار پسر شاغل به تحصیل متفاوت است. جهت بررسی و پاسخ به فرضیه دوم پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. بطوری که قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، پیش فرض همگنی واریانس با آزمون لون مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۵).

جدول ۵: نتایج همگنی واریانس ها برای حل مساله و مولفه های آن در دانشجویان پسر

متغیر ها	F	معنی داری
درماندگی در حل مساله	۱/۸۹۷	۰/۱۷۷
مهارگری در حل مساله	۰/۲۲۲	۰/۶۴۰
سبک اجتناب	۰/۰۱۰	۰/۹۲۱
سبک گرایش	۰/۰۰۸	۰/۹۲۸
سبک خلاقیت	۰/۰۰۱	۰/۹۷۲
اعتماد در حل مساله	۰/۱۸۲	۰/۶۷۵
حل مساله غیر سازنده	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹۹
حل مساله سازنده	۰/۸۳۶	۰/۳۶۶

نتایج حاصل از آزمون لون در جدول (۵) نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها برای سبک های حل مساله و مولفه های آن در دانشجویان پسر برقرار است. در ادامه، به منظور بررسی پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس-کوواریانس از آزمون M باکس استفاده شد که نتایج آن حاکی از معنی داری این آزمون برای متغیر سبک های حل مساله و مولفه های آن بود ($P \leq 0.05$). لذا با توجه به برقرار نبودن این پیش فرض برای انجام تحلیل واریانس چند متغیری و وجود خطر هم خطی چندگانه در متغیرهای وابسته (نمرات کل سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده و مولفه های آنها) از ۲ تحلیل واریانس چند متغیری جداگانه برای بررسی تفاوت سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده در گروه ها و همچنین برای بررسی تفاوت مولفه های درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله، سبک اجتناب، سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله استفاده شد.

جدول ۶: نتایج آزمون M باکس جهت برابری ماتریس کوواریانس در سبک های سازنده و غیر سازنده برای دانشجویان پسر

نام آزمون	ارزش	F	df ۱	df ۲	معنی داری
M باکس	۰/۷۸۹	۰/۲۴۸	۳	۲۵۹۹۲۰/۰۰	۰/۸۶۳

نتایج حاصل از آزمون M باکس در جدول (۶) نشان می دهد که پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس برای نمرات کل سبک های حل مساله سازنده و غیر سازنده در دانشجویان پسر برقرار است.

جهت گیری انگیزشی در بین دانشجویان افسرده و بهنجار دخترشاغل به تحصیل متفاوت است. جهت بررسی و پاسخ به فرضیه سوم پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیری (Manova) و آزمون t مستقل استفاده شد. بطوری که قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، پیش فرض همگنی واریانس با آزمون لون مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۷).

جدول ۷: نتایج همگنی واریانس ها برای جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن در دانشجویان دختر

متغیرها	F	معنی داری
انگیزش درونی	۳/۶۳۱	۰/۰۶۴
انگیزش بیرونی	۲/۴۸۲	۰/۱۲۳
بی انگیزشی	۳/۵۱۴	۰/۰۶۹
جهت گیری انگیزشی	۲/۸۲۱	۰/۱۰۱

نتایج حاصل از آزمون لون در جدول (۷) نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها برای جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن در دانشجویان دختر برقرار است. در ادامه، به منظور بررسی پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس-کوواریانس از آزمون M باکس استفاده شد که نتایج آن حاکی از معنی داری این آزمون برای متغیر جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن بود ($P \leq 0.05$). لذا با توجه به برقرار نبودن این پیش فرض برای انجام تحلیل واریانس چند متغیری و وجود خطر هم خطی چندگانه در متغیرهای وابسته (جهت گیری انگیزشی و مولفه ها آن) از آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت جهت گیری انگیزشی کل در گروه ها و همچنین از تحلیل واریانس چند متغیری برای بررسی تفاوت مولفه های انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی استفاده شد.

جدول ۸: نتایج آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت جهت گیری انگیزشی دو گروه دانشجویان دختر

متغیر	F (sig.)	t	درجه آزادی	معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله های اطمینان تفاوت ها در سطح ۹۵٪
					تفاوت میانگین	حد پایین حد بالا
جهت گیری انگیزشی	۲/۸۲۱ (۰/۱۰۱)	-۱۶/۵۰۶	۳۸	۰/۰۰۰۱	-۲۶/۸۵۰	-۳۰/۱۴۳ -۲۳/۵۵۶

با توجه به جدول (۸) نتایج آزمون t مستقل با فرض برابری واریانس ها، بین میانگین دو گروه دانشجویان دختر افسرده و عادی در متغیر جهت گیری انگیزشی ($t = -16/506$, $P = 0/001$) تفاوت معنی داری از نظر آماری وجود دارد. به عبارتی، با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۳-۴) دانشجویان دختر گروه افسرده نمرات پایینتری در متغیر جهت گیری انگیزشی نسبت به دانشجویان گروه عادی دارند ($P < 0/01$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان دختر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از جهت گیری انگیزشی پایینتری برخوردارند.

جهت گیری انگیزشی در بین دانشجویان افسرده و بهنجار دخترشاغل به تحصیل متفاوت است. جهت بررسی و پاسخ به فرضیه چهارم پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و آزمون t مستقل استفاده شد. بطوری که قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، پیش فرض همگنی واریانس با آزمون لون مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۹).

جدول ۹: نتایج همگنی واریانس ها برای جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن در دانشجویان پسر

متغیر ها	F	معنی داری
انگیزش درونی	۱/۱۷۹	۰/۲۸۴
انگیزش بیرونی	۱/۲۱۰	۰/۲۷۸
بی انگیزشی	۱/۹۲۰	۰/۱۷۴
جهت گیری انگیزشی	۰/۰۰۸	۰/۹۲۹

نتایج حاصل از آزمون لون در جدول (۹) نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها برای جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن در دانشجویان پسر برقرار است. در ادامه، به منظور بررسی پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس-کوواریانس از آزمون M باکس استفاده شد که نتایج آن حاکی از معنی داری این آزمون برای متغیر جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن بود ($P \leq 0/05$). لذا با توجه به برقرار نبودن این پیش فرض برای انجام تحلیل واریانس چند متغیری و وجود خطر هم خطی چندگانه در متغیرهای وابسته (جهت گیری انگیزشی و مولفه های آن) از آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت جهت گیری انگیزشی کل در گروه ها و همچنین از تحلیل واریانس چند متغیری برای بررسی تفاوت مولفه های انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی استفاده شد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت جهت گیری انگیزشی دو گروه دانشجویان پسر

متغیر	F (sig.)	T	درجه آزادی	معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله های اطمینان تفاوت ها در سطح ۹۵٪
						حد پایین حد بالا
جهت گیری انگیزشی	(۰/۹۲۹) ۰/۰۰۸	-۹/۷۵۲	۳۸	۰/۰۰۰۱	-۲۱/۲۵	-۲۵/۶۶ -۱۶/۸۳

با توجه به جدول (۱۰) نتایج آزمون t مستقل با فرض برابری واریانس ها، بین میانگین دو گروه دانشجویان پسر افسرده و عادی در متغیر جهت گیری انگیزشی ($t = -9/752$, $P = 0/001$) تفاوت معنی داری از نظر آماری وجود دارد. به عبارتی، با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۴-۴) دانشجویان پسر گروه افسرده نمرات پایینتری در متغیر جهت گیری انگیزشی نسبت به دانشجویان گروه عادی دارند ($P < 0/01$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان پسر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از جهت گیری انگیزشی پایینتری برخوردارند.

۴. بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه سبک های حل مسئله و جهت گیری انگیزشی بین دانشجویان افسرده و بهنجار شاغل به تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی می باشد. نتایج نشان داد که تفاوت میانگین سبک های حل مسئله و جهت گیری انگیزشی دانشجویان افسرده و عادی در سطح ($P < 0/01$) معناداری می باشد.

سبک های حل مساله بین دانشجویان افسرده و بهنجار دختر شاغل به تحصیل متفاوت است. یافته های مربوط به فرضیه اول پژوهش نشان داد که سبک های حل مساله دانشجویان دختر افسرده در عوامل: اجتناب، درماندگی، کنترل، اعتماد بنفس، خلاقیت و گرایش، تفاوت معناداری با سبک های حل مساله دانشجویان دختر بهنجار دارد. با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۱) دانشجویان دختر گروه افسرده نمرات بالاتری در مولفه های درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله و سبک اجتناب و نمرات پایینتری در مولفه های سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله نسبت به گروه عادی دارند ($P < 0/01$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان دختر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از سبک های حل مساله غیر سازنده بالا و سبک های حل مساله سازنده پایین تری برخوردارند. همان طوری که در ادبیات مقیاس سبک های حل مساله به آن پرداخته شد؛ استفاده از عوامل: احساس درماندگی و کنترل و اجتناب در موقعیت های مساله زا بیانگر سبک ناکارآمد (منفی) در حل مساله است. لذا گروه افسرده در موقعیت های مساله زا دارای سبک ناکارآمد هستند، هم چنین استفاده بیشتر گروه بهنجار از عوامل خلاقیت، اعتماد بنفس و گرایش به مقابله در موقعیت های مساله زا موجب کارآمد سبک های حل مساله آنان می گردد. مطالعات متعددی با یافته های پژوهش همسو است. نتایج این تحقیقات نشان می دهند که افراد عادی در موقعیت های مساله زا کمتر احساس درماندگی می کنند، احساس اعتماد بیشتر به خود در حل مساله دارند و برای حل مشکل راه های متعددی را در نظر می گیرند؛ همچنین دارای کنترل درونی در اداره موقعیت ها می باشند؛ در حالی که افراد افسرده در موقعیت های مساله زا بیشتر احساس بی یابوری و درماندگی می نمایند، احساس اعتماد کمتری در حل مساله دارند، از شیوه های خلاقانه کمتر استفاده می کنند و بیشتر با شیوه اجتنابی با مساله برخورد می نمایند (دیکسون، هپنر، بارت، آندسون و وود، ۱۹۹۳؛ نزو و دزوریلا، ۱۹۸۹).^۵ یافته های این پژوهش با نتایج تحقیق دوک و گیلیارد^۶ (۱۹۹۸) همخوانی دارد. آنها گزارش می کنند، که دخترهای افسرده احتمالاً بیشتر، تجربه شکست را نتیجه ناتوانی و استفاده نکردن از ظرفیت ها در ارائه راه حل ها جهت حل مساله می دانند، این امر تصور زمینه استقرار رفتارهای مبتنی بر احساس گناه، احساس بی یابوری، انزوا و دیگر مشکلات سازگاری را فراهم می کند (به نقل از کلینکه، ۲۰۱۱؛ ترجمه: محمد خانی، ۱۳۹۲).

^۱Dixon, Hepner, Barot, Anderson and Wood, Nzou and Dzorilla

^۲Duc and Gigliard

سبک های حل مساله بین دانشجویان افسرده و بهنجار پسر شاغل به تحصیل متفاوت است. یافته های مربوط به فرضیه دوم نشان داد که سبک حل مساله دانشجویان پسر افسرده در عوامل: اجتناب، درماندگی، کنترل، اعتماد بنفس، خلاقیت و گرایش، تفاوت معناداری با سبک حل مساله دانشجویان پسر بهنجار دارد. با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۳) دانشجویان پسر گروه افسرده نمرات بالاتری در مولفه های درماندگی در حل مساله، مهارگری در حل مساله و سبک اجتناب و نمرات پایینتری در مولفه های سبک گرایش، سبک خلاقیت و اعتماد در حل مساله نسبت به گروه عادی دارند ($P < 0.05$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان پسر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از سبک های حل مساله غیر سازنده بالا و سبک های حل مساله سازنده پایین تری برخوردارند. مطابقت یافته های پژوهش حاضر با شواهد مطالعاتی متعدد می توان نتیجه گرفت که: دانشجویان بهنجار در موقعیت های مساله زا بیشتر از شیوه گرایش استفاده می کنند و دانشجویان افسرده تمایل به اجتناب در مقابله با مسائل دارند. یافته های پژوهش حاضر با یکی از مستندترین یافته های تحقیقاتی توانایی حل مساله همسو است، بدین معنی که توانایی حل مساله در ارتباط با رخدادهای استرس زا و درماندگی روان شناختی به عنوان یک تعدیل گر عمل می کند. بررسی کویکن و بروین^۷ (۲۰۱۲) نیز حاکی از این است که افراد افسرده در مقایسه با افراد غیر افسرده به هنگام مواجهه با رخدادهای استرس زا بیشتر از روش فرار - اجتناب استفاده کردند. اما کسیدی و لانگ^۸ (۱۹۹۶) در مطالعه خود تفاوت معنا داری بین دو گروه افسرده و عادی در عامل سبک اجتناب نیافتند. هم چنین نتایج بررسی ویندل^۹ (۱۹۹۶) بر روی نوجوانان نشان داد سبک اجتنابی می تواند در عین حال دارای دو کارکرد مثبت و منفی باشد که ممکن است تاثیر کوتاه مدت و بلند مدت این راهبرد را منعکس کند یعنی به نوجوانان کمک می کند تا به طور موقتی و کوتاه مدت از مقابله با فشارهای روانی اجتناب کنند

جهت گیری های انگیزشی بین دانشجویان افسرده و بهنجار دختر شاغل به تحصیل متفاوت است. یافته های مربوط به فرضیه سوم نشان داد که جهت گیری انگیزشی دانشجویان دختر افسرده در عوامل: انگیزش بیرونی، انگیزش درونی، بی انگیزشی، تفاوت معناداری با جهت گیری های انگیزشی دانشجویان دختر بهنجار دارد. با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۴) دانشجویان دختر گروه افسرده نمرات پایینتری در مولفه های انگیزش بیرونی و انگیزش درونی و نمرات بالاتری در مولفه بی انگیزشی نسبت به گروه عادی دارند ($P < 0.01$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان دختر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از انگیزش درونی و بیرونی کمتر و بی انگیزشی بالاتری برخوردارند. به طور کلی، هرچه در افراد بهنجار جهت گیری های انگیزشی خود تعیین کننده تر و درونی تر می شود، عملکردشان بهتر شده و تمایل به پیشرفت و یادگیری کار خلاق افزایش می یابد. از این رو افراد بهنجار در مواجهه با موقعیت ها و رخدادهای استرس زا که خود انگیزخته اند و برای خود اهداف آموزشی تعیین می کنند از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردارند زیرا زمانی که یادگیرندگان فعالیتهای خود را بر اساس علائق درونی خود انتخاب و انجام دهند، به طور طبیعی بر روی آنها تمرکز بیشتری خواهند داشت و نیروی بیشتری را صرف انجام آن فعالیت ها خواهند کرد، در مقایسه با زمانی که مجبور به انتخاب یک فعالیت شوند و یا به دلایل بیرونی آن عمل را انجام دهند. افزون بر این افرادی که دارای انگیزش درونی هستند بیشتر به قضاوت های خود متکی هستند. همین امر موجب می شود توجه خود را به خود فعالیت معطوف کنند و به کیفیت و کمیت پاداشی که می خواهند دریافت کنند نیاندیشند؛ در نتیجه از موفقیت بالاتری برخوردار گردند. این یافته با یافته های الیس و هارپر^{۱۰} (۲۰۰۹)، گوانزالس^{۱۱} (۲۰۱۰)، شریفی^{۱۲} (۱۳۸۵)، نولزو

^۷Queen and Browne^۸Cassidy and Long^۹Windle

همکاران (۲۰۰۰)، پینت ریچ و دی گروت (۱۹۹۰)^۷ به نقل از برنز، (۱۳۹۱)، هماهنگ وهمسو است. بر اساس نظریه خود تعیین کنندگی دسی و ریان (۲۰۰۰)، هر نوع انگیزش بیرونی که به احساس شایستگی و استقلال فرد لطمه وارد آورد از طریق کاهش انگیزه درونی عملکرد فرد را تحت تاثیر قرار می دهد. بخش دیگری از نتایج پژوهش حاکی از این است که بین جهت گیری بی انگیزشی و افسردگی رابطه ی معنادار وجود دارد یعنی، با افزایش بی انگیزشی، توانایی های خود تعیین گری در افراد افسرده در مداخله با رویداد های استرس زا و موقعیت های پیشرفت کمتری می شود. این یافته اهمیت نقش عوامل انگیزشی به ویژه انگیزه درونی را در امر خود تعیین گری، پیشرفت و موفقیت تحصیلی به اثبات می رساند. یعنی این که بی انگیزشی از جمله موانعی است که پیشرفت و موفقیت تحصیلی را تهدید می کند.

جهت گیری انگیزشی بین دانشجویان افسرده و بهنجار پسر شاغل به تحصیل متفاوت است. یافته های مربوط به فرضیه چهارم نشان داد که جهت گیری انگیزشی دانشجویان پسر افسرده در عوامل: انگیزش بیرونی، انگیزش درونی، بی انگیزشی، تفاوت معناداری با جهت گیری های انگیزشی دانشجویان پسر بهنجار دارد با توجه به میانگین دو گروه در جدول (۴) دانشجویان پسر گروه افسرده نمرات پایینتری در مولفه های انگیزش درونی و انگیزش بیرونی و نمرات بالاتری در مولفه بی انگیزشی نسبت به گروه عادی دارند ($P < 0/01$)، و این امر نشان می دهد که دانشجویان پسر افسرده نسبت به دانشجویان عادی از انگیزش درونی و بیرونی کمتر و بی انگیزشی بالاتری برخوردارند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که هر گاه دانشجویان دارای جهت گیری انگیزشی درونی و میزان بالایی از انگیزش خود تعیین گر باشند از راهبردهای عمیق تر یادگیری استفاده می کنند و در نتیجه میزان پایین تری از اضطراب را تجربه می کنند. این نتایج هماهنگ با دیدگاه ربانی، یوسفی (۱۳۹۳) بیان می کند دانشجویانی که اهداف انگیزشی بالایی دارند ارزش بیشتری برای فهم درس و یادگیری مطالب قائلند و کمتر خود را با ملاک های بیرونی از قبیل کسب نمره و امتیازهای اجتماعی مقایسه می کنند. به همین دلیل از اضطراب کمتر و خود تنظیمی بالایی برخوردارند. بیان می کند که افراد بهنجار با سطوح بالای خود تعیین گرانگیزش درونی با انگیزه قوی تر و پایدارتر به درک و فهم عمیق تر یادگیری و بهبود توانایی های شان می پردازند. این افراد خود را درگیر موقعیت های جدید و تکالیف چالش انگیز می کنند که این موقعیت ها مستلزم درگیری شناختی عمیق، تلاش و پایداری بالا، یادگیری معنادار و راهبردهای مؤثر مقابله هستند اما افراد افسرده با سطوح پایین خود تعیین گری انگیزش بیرونی به منظور کسب پاداش ها و رویدادهای لذت بخش بیرونی تلاش می کنند این افراد درقبال مسئولیت های خود پایداری و تلاش کمتری نشان می دهند لذا برای موفقیت به دنبال راهبردهای سطحی یادگیری که تلاش کمتری را می طلبد عمل می کنند که این باعث یادگیری طوطی وار و سطحی می شود.

ملاحظات اخلاقی: پس از تأییدیه های لازم و اخذ مجوز از طرف دانشگاه، جهت تکمیل پرسشنامه ها به کلیه افراد شرکت کننده در مطالعه اهداف و نحوه کار توضیح داده شد و رضایت آن ها را جلب نموده و به آن ها اطمینان داده شد که در صورت تمایل نتایج پژوهش در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. همچنین به افراد اطمینان داده شد که برای شرکت یا عدم شرکت در پژوهش آزاد هستند. به افراد اطمینان داده شد که در هر مرحله از پژوهش می توانند تصمیم به خروج از پژوهش بگیرند و این امر تبعات سوئی برای ایشان نخواهد داشت.

^۷Wentzel and Wigfield, Guvenzals, Sharifi, Neulzo et al, Pinetch and De Groot.

محدودیت پژوهش: این پژوهش هم مانند سایر پژوهش ها دارای محدودیت های بود که یکی از این محدودیت ها وضعیت روانی و عاطفی دانشجویان هنگام پاسخگویی به سوالات بود که ممکن است در صحت و دقت پاسخگویی آنان تاثیر گذار باشد که این محدودیت غیر قابل کنترل بود.

تضاد منافع: بدینوسیله نویسندگان اعلام می کنند که این اثر حاصل یک پژوهش مستقل بوده و هیچگونه تضاد منافی با سازمان ها و اشخاص دیگری ندارد.

تقدیر و تشکر: نویسندگان مقاله از تمام مشارکت کنندگان در پژوهش، تقدیر و تشکر به عمل می آورند.

منابع

- برنز، دیوید. (۱۳۹۱). *روان شناسی/افسردگی*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات روشنگران.
- بخشی پور رود سری، عباس؛ محمود علیلو، مجید؛ ایرانی، سید سجاد. (۱۳۸۷). مقایسه ویژگی ها و اختلال های شخصیت و راهبرد های مقابله ای معتادان خود معرف و گروه بهنجار. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال ۱۴، شماره ۳، ص ۲۸۹-۲۹.
- پینتریچ، پال آر، و شانک، دیل اچ. (۱۳۹۰). *انگیزش در تعلیم و تربیت نظریه ها، تحقیقات و کاربردها*. ترجمه مهرناز شهرآرای. (۲۰۰۲). چاپ دوم. تهران: نشر علم.
- خنیفیر، حسین؛ پورحسینی، مژده. (۱۳۹۴). *مهارت های زندگی*. تهران: انتشارات فروزش.
- ربانی، زینب؛ یوسفی، فریده. (۱۳۹۳). رابطه باورهای انگیزشی و پیشرفت تحصیلی با واسطه گری انواع جهت گیری انگیزشی هدف و راهبرد های یادگیری خود تنظیمی، *مجله روانشناسی*، سال ۱۸، شماره ۳، ص ۲۴۷-۲۶۲.
- شریفی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی آموزش مهارتهای حل مسأله بر کاهش میزان علائم افسردگی بر نوجوانان و بررسی تاثیر آموزش شیوه های مقابله بر کاهش استرس، *فصلنامه تازه های علوم شناختی* سال ۴، شماره ۴.
- شاطری، زهره؛ اشکانی، نجمه؛ مدرس غروی، مرتضی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین نگرانی مرضی، شیوه های حل مسأله و افکار خودکشی در نمونه غیر بالینی، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، سال ۱۴، شماره ۱، ص ۹۲-۱۰.
- کلینکه، کریس. (۱۳۹۳). *مهارت های زندگی*، ترجمه شهرام محمد خانی، تهران: انتشارات اسپند هنر، شماره ۱.
- مبینی، سیروس. (۱۳۸۹). بررسی نقش کانون توجه در سوگیری حافظه بیماران افسرده، *فصلنامه پژوهش های سال اول روان شناختی*، شماره ۱ و ۲.
- ویلس، فرانک. (۱۳۹۶). *شناخت درمانی بک*، ترجمه رضا مولودی. (۲۰۱۴). تهران: انتشارات ارجمند، چاپ اول.

Beck, A. T. (2006). *The Hopelessness Scale*. Consulting; *Psychologists Press*.

Beck, A. T. Steer, R. & Garbin, M. G. (1988). *Psychometric property of the Beck depression inventory: Twenty five Years evaluation*. *Clinical psychology Review*, 8, 77 - 100.

Cassidy, T., Burnside E. (1996). Cognitive appraisal, vulnerability and coping: an integrative analysis of appraisal and coping mechanism. *Counseling psychology Quarterly*; 9: 261 - 279.

Deci, E. L., Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits : Human needs and the self - determination of behavior. *Psychol Inq*; 11(4): 227- 268.

Nezu, A. M. (2000). Efficacy of a social problem – solving therapy approach for unipolar depression. *Journal of consulting and Clinical Psychology*. 54 (2), 196 - 202.

Vallerand R. J., Pelletier L. G., Blais. M. R., Briere N. M., Senecal. C., Vallieres E. F. (1992). The academic motivation scale: A measure of intrinsic, extrinsic and a motivation in education. *Educ Psychol Meas*; 52: 103 - 17.